

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه قم

دانشکده الهیات و معارف اسلامی

پایان نامه دوره کارشناسی ارشد رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی

عنوان:

ضرورت حفظ آبرو و شخصیت زندانیان در فقه و حقوق موضوعه

استاد راهنما:

دکتر عبدالله امیدی فرد

نگارنده:

زهرا امیری نژاد

پاییز/۹۳

تقدیم به:

السَّلَامُ عَلَى الْمُعَذَّبِ فِي قَعْرِ السُّجُونِ وَ ظُلْمِ الْمَطَامِيرِ، ذِي السَّاقِ الْمَرْضُوضِ بِحَلْقِ

الْقَيْودِ

تقدیم بر آن سروری که در تنگنای زندان‌ها و در تاریکی‌های زیر زمین‌ها، حلقه‌های

زنجیر پاهای مبارکش را مجروح ساخته بود.

تقدیر و تشکر:

سپاس و ستایش خدای بی همتا را که سپاسگذاری را موجب افزایش نعمت و احسانش قرار داده و درود بی پایان بر رسول خاتمش که او را رحمة للعالمین قرار داد و سلام و صلوات بر ائمه معصومین سلام الله علیهم اجمعین که میراث داران علم بی پایان الهی بوده و این گنجینه عظیم را از اولین تا آخرین در سینه محفوظ داشته است. جا دارد در همین جا به مصداق حدیث شریف «من لم یشکرالمخلوق لم یشکرالخالق» از کلیه عزیزانی که قدم به قدم بنده حقیر را درگرد آوری و تدوین این پایان نامه یاری نموده‌اند، خصوصاً استاد محترم راهنما، جناب آقای دکتر عبدالله امیدی فردقدردانی و تشکر نمایم. همچنین از بذل عنایت اساتید محترم هیئت داوران و نظرات قابل توجه آنها، کمال تشکر دارم. از خداوند رحمان و رحیم برای همه‌ی این عزیزان سعادت دنیا و آخرت را آرزومندم.

چکیده:

در اندیشه دینی منعی از بکارگیری زندان دیده نمیشود، و ادله و نصوص شرعی بر جواز بکارگیری زندان در موارد معدود دلالت می نمایند. از آنجایی که زندان به منزله کیفر است و مجرم بودن زندانی محرز شده است این دلیل نمیشود که با زندانی هرگونه بخواهیم رفتار کنیم زیرا او نیز همانند سایر انسان ها دارای کرامت ذاتی است. در حقیقت مجازات زندان سلب آزادی رفت و آمد فرد زندانی است نه سایر حقوق او. در شریعت نیز درباره رعایت حال زندانیان و حقوق آنان مقرراتی تعیین شده است که این خود نشان میدهد که میخواهد انسانیت فرد زندانی را از نو بیدار کند. از جمله این حقوق حفظ ابرو و شخصیت فرد زندانی است. اسلام برای حفظ ابرو و شخصیت افراد اهمیت زیادی قایل است تا جاییکه ابروی مومن را برابر با خون وی میداند، کرامت ذاتی، اطلاق روایات، اصل شخصی بودن مجازات ها، قاعده لا ضرر، ضرورت وجود زندگی مسالمت آمیز در جامعه، ترغیب به توبه و جرم پوشی و اصلاح و اعاده اعتبار یا بازگشت به جامعه و... از جمله مبانی حفظ ابروی زندانی هستند. در قوانین، از جمله قانون اساسی برای رعایت این مهم راهکارهایی آمده است. با همه اهمیتی که اسلام به حفظ ابروی افراد دارد اما در مواردی مانند قذف، شهادت به دروغ، زنا و... برای او حرمتی قایل نبوده و ریختن ابرو وی را جایز می شمارد. اهمیت موضوع به جهت ضرورت ابرو در اسلام و پایگاه اجتماعی افراد در جامعه به خصوص زندانی است که پس از گذراندن دوران محکومیت به جامعه بازمی گردد. چنانچه هدف ما در این رساله اثبات حفظ ابروی زندانی است.

روش انجام کار در این پایان نامه توصیفی است و روش تحقیق به شیوهی کتابخانه ای انجام شده است. نتیجهی حاصل از نگارش این موضوع آن است که طبق اطلاق آیات و روایات، ابروی زندانیان که مصداقی بر کرامت ذاتی انسانها است باید در همه ی مراحل دادرسی حفظ گردد.

کلمات کلیدی: کرامت ذاتی، ابرو، زندانی

فهرس مطالب:

صفحه	عنوان
۱	مقدمه
۱	الف. بیان مسئله
۲	ب. اهمیت و ضرورت انجام تحقیق
۲	ت. اهداف تحقیق
۲	د. سوالهای تحقیق
۲	سوال اصلی:
۲	سوالهای فرعی:
۳	فرضیه اصلی
۳	فرضیات فرعی:
۳	ب. سابقه و پیشینه تحقیق
۵	فصل اول:
۷	مبحث اول: آشنایی با مفاهیم
۷	گفتار اول: در لغت
۹	گفتار دوم: سجن در اصطلاح
۹	گفتار سوم: حبس در ترمینولوژی حقوق
۹	گفتار چهارم: کرامت در لغت
۱۰	گفتار پنجم: کرامت در اصطلاح
۱۰	گفتار ششم: آبرو در لغت
۱۱	مبحث دوم: پیشینه تاریخی-تقنینی نحوه رفتار با زندانی
۱۲	مبحث سوم: آشنایی با مبانی نظری مجازات‌های شرعی
۱۲	گفتار اول: هدف شریعت از اجرای قوانین کیفری
۱۳	گفتار دوم: انگیزه‌ها و اهداف شرع از مجازات حبس
۱۶	مبحث چهارم: موارد زندان
۱۶	گفتار اول: زندان در امور مالی
۱۸	گفتار دوم: زندان در امور زناشویی
۱۹	گفتار سوم: زندان در امور جزایی

۲۳	گفتار چهارم: زندان ابد در امور جزایی
۲۶	گفتار پنجم: موارد دیگر زندان
۳۰	مبحث پنجم: جایگاه زندان در میان کیفرهای شرعی
۳۵	فصل دوم
۳۶	بخش اول: مبانی فقهی و حقوقی ضرورت حفظ آبرو و شخصیت زندانی
۳۷	مبحث اول: کرامت انسانی
۳۸	گفتار اول: کرامت ذاتی و طبیعی
۳۹	گفتار دوم: کرامت اکتسابی یا ارزشی
۴۰	گفتار سوم: کرامت انسانی در قرآن کریم
۴۱	گفتار چهارم: کرامت انسان در اخبار و روایات
۴۲	گفتار پنجم: اشتراک معنایی کرامت و حرمت درباره انسان
۴۳	گفتار ششم: آثار جرم و مجازات بر کرامت انسانی
۴۶	گفتار هفتم: اثبات حرمت برای مسلمان فاسق
۴۷	گفتار هشتم: بررسی کرامت در قانون اساسی
۴۸	مبحث دوم: اطلاق روایات
۵۱	مبحث سوم: ترغیب به توبه و جرم پوشی
۵۴	مبحث چهارم: شمول قاعده لا ضرر نسبت به هتک حرمت و حیثیت
۵۵	گفتار اول: انواع ضرر و زیان معنوی
۵۶	گفتار دوم: ضرر و زیان معنوی در قانون اساسی
۵۷	مبحث پنجم: اصل شخصی بودن مجازات ها
۵۹	مبحث ششم: اصلاح و اعاده اعتبار یا بازگشت به جامعه
۶۱	مبحث هفتم: زندگی مسالمت‌آمیز
۶۲	مبحث هشتم: مجرم از دیدگاه اسلام
۶۵	بخش دوم: وجوب حفظ آبروی زندانی
۶۵	مبحث اول: جایگاه آبرو در اسلام
۶۶	مبحث دوم: جایگاه آبرو در قوانین
۶۷	مبحث سوم: حفظ حرمت شخص زندانی و احترام به شخصیت و حیثیت او
۶۸	مبحث چهارم: رعایت حیثیت و شرافت انسان در کلام و نوشتار امام خمینی (ره)
۶۹	مبحث پنجم: چند مسئله
۷۰	مبحث ششم: موارد جواز تعرض به حریم خصوصی و آبرو
۷۴	فصل سوم:
۷۶	بخش اول: راهکارهای اعمال کرامت و شخصیت زندانیان در قوانین
۷۷	مبحث اول: اجرای صحیح و دقیق قوانین در مقررات موجود

گفتار اول: قانون اساسی	۷۷
گفتار دوم: آیین‌نامه سازمان زندان‌ها	۷۷
گفتار سوم: قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی	۷۷
گفتار چهارم: اصلاح قوانین موجود و تدوین مقررات جدید	۷۸
گفتار پنجم: نظارت بر اجرای قوانین و مقررات	۷۸
بخش دوم: راهکارهای اعمال کرامت و شخصیت زندانیان در زندان و بعد از خروج از زندان	۷۸
مبحث اول: در زندان	۷۸
گفتار اول: توجه به حقوق زندانیان	۷۹
گفتار دوم: معنای تنبیه و سخت‌گیری در زندان و حدود آن در اسلام	۱۰۰
مبحث دوم: ارایه راهکارها بعد از خروج از زندان	۱۰۵
گفتار اول: اصلاح نگرش جامعه نسبت به زندان و زندانی	۱۰۵
گفتار دوم: افزایش سطح آگاهی جامعه	۱۰۷
گفتار سوم: انجمن‌های هدایت و حمایت از زندانیان	۱۰۸
گفتار چهارم: شورای برنامه‌ریزی و مدیریت بهداشت روان و اصلاح رفتار زندانیان	۱۰۸
گفتار پنجم: عوامل آبروریزی	۱۱۰
ارائه پیشنهادات:	۱۱۴
نتیجه‌گیری:	۱۱۵
فهرس منابع و مآخذ:	۱۱۸
الف. فهرس منابع عربی:	۱۱۸
ب. فهرس منابع فارسی	۱۲۴
ج. پایان نامه	۱۲۹
د. مقالات	۱۲۹

مقدمه

الف. بیان مسئله

به موجب آیه کریمه (وَ لَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ) انسان موجودی برخوردار از کرامت و شرافت ذاتی است. از بارزترین جلوه های کرامت انسان ها تمایل آنها به ابروداری می باشد. حفظ آبرو و شخصیت افراد از جمله حقوق همه انسان ها می باشد که هر فرد مسلمان و بلکه هر انسانی از آن بهره مند است و در مقابل آن، دیگران موظفاند. لذا احترام به حیثیت افراد در هر مقام و موقعیتی که باشند، از تکالیف افراد و حکومت به شمار می رود. هدف آن است که حتی المقدور حیثیت یک زندانی یا مجرم پس از گذراندن دوران قانونی محکومیت کمترین آسیب را تحمل کند و همانند سایر افراد بتواند به حیات خود در جامعه ادامه دهد. از آنجا که انتساب یک جرم به فرد مراحل را می گذراند، بدیهی است که حفظ شخصیت آنها در مراحل مختلف وقوع جرم ضروری است. اما چیزی که فعلاً در این رساله در صدد تحقیق آن می باشیم آنست که مرز بین شخصیت انسان ها تا کجاست؟ در فقه مجازاتی که برای جرائم در نظر گرفته شده یکسان نیست، برخی بر مبنای از بین بردن شخصیت کاذب مجرم است از قبیل تشهیر و برخی از مجازات ها بر حفظ و استتار شخصیت مجرم است.

در قانون نیز به موجب اصل ۳۹ اساسی "هتک حرمت به حیثیت و آبروی افراد که به حکم قانون دستگیر، بازداشت و زندانی شدند به هر صورت که باشد، مستوجب مجازات می باشد."

ب. اهمیت و ضرورت انجام تحقیق

از آنجایی که انتساب جرم موجب خسارات مادی و معنوی به متهم و خانواده وی می‌گردد و موجبات بدبینی اطرافیان را نسبت به آنها فراهم می‌آورد در نتیجه پایگاه اجتماعی‌شان در معرض آسیب قرار می‌گیرد لذا طبق کرامت ذاتی انسان‌ها احترام به شخصیت افراد باید در نظر گرفته شود. اهمیت اجتماعی خانواده باید محرک قانونگذار در حمایت از آن باشد. بنابراین در زمینه انتساب جرم قانونگذار باید با احتیاط کامل عمل کند و از هر اقدامی که به ضعف خانواده منجر می‌شود بپرهیزد.

ت. اهداف تحقیق

۱- بیان ضرورت حفظ آبرو و شخصیت زندانی با توجه به اصل شخصی بودن مجازات‌ها و کرامت ذاتی انسان.

۲- تبیین جایگاه فرد زندانی در اجتماع و تأثیر آن در خانواده.

۳- تبیین مرز حفظ شخصیت و آبروی زندانی و مجرمین تا کجاست.

د. سوالاتی تحقیق

سؤال اصلی:

۱. مبانی حفظ آبروی شخص زندانی چیست؟

سوالات فرعی:

منظور از آبرو و شخصیت متهم از منظر فقه چیست؟

مرز حفظ آبرو و شخصیت متهم و مجرم تا کجاست؟

راهکارهای حفظ آبرو و شخصیت زندانیان چیست؟

ر. فرضیه‌ها

فرضیه اصلی

- از جمله مبانی که بر ضرورت حفظ ابرو و شخصیت زندانی دلالت دارند اطلاق روایاتی است که از هتک حرمت افراد منع کرده‌اند، همچنین اثبات کرامت ذاتی همه‌ی انسان‌ها و ضرورت اصلاح زندانیان و عدم بازگشت مجدد او به زندان می باشد.

فرضیات فرعی:

۱- منظور از ابرو و شخصیت، موقعیت فردی و اجتماعی افراد است که در جامعه بر پایه‌ی آن به تعامل با دیگران پرداخته و مورد احترام افراد، قرار می‌گیرد.

۲- مرز بین حفظ ابروی فرد متهم و مجرم یکسان نیست، تا جاییکه، مجازاتی که برای جرائم در نظر گرفته می‌شود یکسان نیست برخی مجازات‌ها مانند بدعت گذاری بر نادیده گرفتن حقوق معنوی متهم پایه ریزی شده و برخی دیگر مبتنی بر حفظ شخصیت افراد بنیان شده مثل اتهام زنا.

۳- از جمله راهکارهای حفظ ابرو و شخصیت فرد زندانی، اجرای صحیح قانون اساسی، قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی، این نام سازمان زندانها، نظارت بر این قوانین، توجه به حقوق زندانیان در زندان‌ها، اصلاح نگرش جامعه به فرد زندانی، و سازمان‌های حمایت از زندانیان می باشد.

ب. سابقه و پیشینه تحقیق

ضرورت حفظ ابروی زندانی موضوعی تازه است که تا به حال تحقیقی جامع در این زمینه به صورت خاص صورت نگرفته است؛ اگرچه برخی از دانشمندان اسلامی و فضلاء کتاب‌های مفید و قابل توجهی در زمینه حقوق زندانیان تألیف کرده‌اند همچون احکام السجون تألیف دکتر احمد وائلی، موارد السجون تألیف شیخ نجم الدین طیبسی.

کلیات

در این فصل لازم می‌دانیم، بطور کلی تعریفی در لغت و در اصطلاح از واژه‌هایی همچون سجن، حبس، زندان، کرامت، ابرو که در موضوع مورد بحث حائز اهمیت می‌باشند، ارائه دهیم. در صفحات بعد با توجه به موضوع پایان نامه پیشینه تاریخی -تقنینی نحوه رفتار با زندانی

،اشنایی با مبانی نظری مجازات های شرعی و زندان را بیان می کنیم و در آخر از انجایی که در اسلام، زندان به عنوان یک مجازات ثانوی و نه اصلی پذیرفته شده است به بررسی موارد زندان که خود شامل زندان در امور جزایی، زناشویی، مالی و دیگر موارد زندان می باشند می پردازیم همچنین به بیان جایگاه زندان در میان کیفرهای شرعی خواهیم پرداخت.

مبحث اول: آشنایی با مفاهیم

در زبان عربی واژه‌های زیاد و گوناگونی به معنی و مفهوم «زندانی» دلالت دارند؛ مانند واژه‌های سجن، حبس، وقف، ایقاف، حصر، اثبات، اقرار، امساک و مانند این‌ها، لکن مشهورترین آن‌ها، دو واژه «سجن» و «حبس» می‌باشند. اینک برخی از سخنان دانشمندان دانش لغت‌شناسی را درباره مفهوم این دو واژه نقل می‌کنیم:

گفتار اول: در لغت

راغب در کتاب مفردات چنین گفته است:

«السَّجْنُ: در زندان نگاه‌داشتن. واژه سجن به همین معنی در این آیه هم با فتحه و هم با کسره سین خوانده شده است: «رَبِّ السَّجْنِ أَحَبُّ إِلَيَّ...»

پروردگارا زندان برای من دوست‌داشتنی‌تر از آن چیزی است که مرا به آن فرا می‌خوانند.^۱

واژه سجن به همان معنی در این دو آیه نیز بکار رفته است: «لَيْسَ جُنَّتُهُ حَتَّى حِينٍ»، «وَدَخَلَ مَعَهُ السَّجْنَ فَتَيَانٌ»^۲

الحبس: مانع شدن از آمد و شد، چنانکه خداوند متعال فرموده:

«تَحْبِسُونَهُمَا مِنْ بَعْدِ الصَّلَاةِ...» یعنی بعد از نماز از آمد و شد آن دو نفر وصی و شاهد مانع شوید تا سوگند یاد کنند که ...^۳

در کتاب صحاح اللغه گفته شده است:

^۱. یوسف، ۳۳.

^۲. حسین بن محمد راغب اصفهانی، المفردات الفاظ قران، (محقق / مصحح: صفوان عدنان داودی)، چاپ اول (لبنان-سوریه، دارالعلم، ص ۱۴۱۲ ق) ص ۳۹۸. آیه‌های سه‌گانه نیز به ترتیب از سوره یوسف (۱۲) شماره‌های ۳۵، ۳۶ می‌باشند.

^۳. همان، مائده، ۱۰۶. این آیه شریفه درباره دو نفر نصرانی بنام‌های «ابن بندی» و «ابن ابی ماریه» نازل شده است که در ادای امانت و ارث مسلمانی خیانت کردند، جهت جلوگیری از آمدوشد آن‌ها، حبس شدند تا آنکه قسم بخورند.

سجن با کسره سین: زندان، السّجن با فتحه سین مصدر و به معنای زندانی کردن می‌باشد. سَجِنُهُ نیز به معنای حَبَسَهُ است. یعنی او را بازداشت کرد.^۱

«حبس: ضد تخلیه و گشودگی است. حبس و احتباس هر دو به یک معنی هستند و اِحْتَبَسَ، به معنی خود را حبس نمود. این واژه هم متعدی استعمال می‌شود و هم غیر متعدی.

تَحَبَّسَ عَلَيَّ كَذَا، یعنی خود را به آن امر مقید و پایبند ساخت.»

الْحَبْسُ: ضدالتخلية؛ و حَبَسْتُهُ و اِحْتَبَسْتُهُ به معنی؛ و اِحْتَبَسَ اِيضاًبِنَفْسِهِ، يَتَعَدَّى وَلَا يَتَعَدَّى؛ و تَحَبَّسَ عَلَيَّ كَذَا، اِي حَبَسَ نَفْسَهُ عَلَيَّ ذَلِكُ^۲

در کتاب لسان العرب آمده:

«سَجِنُهُ: او را حبس کرد، سَجِنَ الْهَمَّ: اندوه خود را پنهان نمود. سجن با کسره سین: محبس و زندان، صاحب و مسئول آن را نیز سَجَانٌ - زندان بان - گویند، چنانکه سجين ابر وزن جنين [شخص زندانی را گویند].^۳»

«حبس: بازداشت کردن. محدود کردن افراد از رفت و آمد. محبس محل بازداشت و بازداشتگاه گفته می‌شود.^۴

دایرةالمعارف علوم اسلامی قضایی، حبس را این‌گونه تعریف نموده است:

حبس در لغت یعنی منع کردن زندانی ممنوع از خروج، از مکان معینی است. این حبس به معنی زندان کیفری است.^۵

^۱ اسماعیل بن حماد جوهری، صحاح اللغة، (محقق/مصحح: احمد عبدالغفور عطار)، چاپ اول (بیروت-لبنان: دارالعلم للملایین، ۱۴۱۰) ج ۵، ص ۲۱۳۳.

^۲ همان، ج ۳، ص ۹۱۵.

^۳ محمد بن مکرم، ابن منظور، لسان العرب، (محقق/مصحح: احمد فارس صاحب الجوائب)، چاپ سوم (بیروت-لبنان: دارالفکر للطباعة و النشر والتوزیع - دار صادر، ۱۴۱۴ ق)، ج ۱۳، ص ۲۰۳.

^۴ همان.

^۵ محمدجعفر جعفری لنگرودی، دایرةالمعارف علوم اسلامی قضایی، (تهران: ابي نا، ابي تا) ج ۱، ص ۵۲۸.

گفتار دوم: سجن در اصطلاح

در معنای اصطلاحی کلمات فوق اختلاف خاصی دیده نمی‌شود و معنا و قدر مشترک بین آن‌ها، مفهوم زندان کردن است.

گفتار سوم: حبس در ترمینولوژی حقوق

در ترمینولوژی حقوق در تعریف حبس چنین ذکر شده: «سلب آزادی و بازداشت محکوم جهت اجرای مجازات پس از حکم قطعی، حبس قانونی است»^۱.

گفتار چهارم: کرامت در لغت

کرامت در لغت دارای معانی مختلفی است که مهم‌ترین آن‌ها عبارت است از: ارزش، حرمت، حیثیت، بزرگواری، عزت، شرافت، انسانیت، مقام، موقعیت درجه، رتبه، جایگاه، منزلت، نزاهت از فرومایگی و پاک بودن از آلودگی‌ها، احسان و بخشش، جوانمردی و سخاوت می‌باشد.^۲ در فرهنگ تاج العروس آمده: «واژه کریم را در بیش از سی معنی به‌کاربرده‌اند، همچون قول کریم، رزق کریم، مدخل کریم، کتاب کریم، سحاب کریم، اجر کریم... که به ترتیب به معنی گفتار نرم و دل‌نشین، روزی بسیار، جایگاه بلند و خوش، نامه مختوم و مهرشده، ابر پرباران و پاداش ارزنده و شایسته هست»^۳. بنابراین در ترجمه این لفظ نیاز به تفصیل است و می‌توان گفت کرامت در هر چیزی معیار مخصوص به خود دارد، مثلاً در لسان العرب می‌خوانیم «عرش کریم یعنی عرش عظیم؛ قول کریم یعنی سخن نرم و یا رزق کریم یعنی روزی بسیار. پس در هر موردی این کلمه به کار رفت باید گفت آن موصوف در میان نوع و یا صنف خود، فرد بالارزش و به‌دوراز نقص می‌باشد»^۴. همچنین در مفردات آمده: کرم اگر وصف خدا

^۱. همان، ج ۱، ص ۵۲۸.

^۲. علی‌اکبر دهخدا، لغت‌نامه، (تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۳) ج ۱۱، ص ۱۶۰۷۰.

^۳. سید محمد مرتضی حسینی، واسطی زبیدی حنفی [محب‌الدین]، تاج العروس من جواهر القاموس، (محقق/مصحح: علی شیری)،

چاپ اول، (بیروت-لبنان، دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع ۱۴۱۴ ق)، ج ۱۷، ص ۶۰۶.

^۴. ابن منظور، ج ۱۲، ص ۵۱۴.

واقع شود، مراد، احسان و نعمت آشکار خداست و اگر وصف انسان باشد، نام اخلاق و افعال پسندیده‌ای است که از وی ظاهر گردد.^۱

گفتار پنجم: کرامت در اصطلاح

کرامت انسان به‌رغم اهمیت بسیار والایی که دارد تاکنون در هیچ یک از اسناد بین‌المللی و قوانین داخلی کشور تعریفی نشده است. بلکه غالباً در اسناد بین‌المللی، هنگام اشاره به این موضوع از عبارت حیثیت انسانی استفاده شده است. به‌عنوان نمونه در منشور سازمان ملل متحد مصوب ۱۹۴۵ از کرامت به‌عنوان حیثیت و ارزش، شخصیت انسان تعبیر شده است.^۲ بدین ترتیب می‌توان این‌گونه بیان کرد که معنای کرامت انسانی عبارت است از اینکه انسان موجودی است دارای شرف، حرمت، عزت و حیثیت و ارزش است.^۳

گفتار ششم: آبرو در لغت

آبرو به معنای اعتبار، حرمت، قدر، جاه، شرف، عرض، ناموس است.^۴ و در اصطلاح، آبروی کسی را ریختن وی را مفتضح نمودن می‌باشد. در این مدخل از واژه‌های تعفف، وجیه و هر آنچه لازمه معانی آن آبرو یا بی‌آبرویی باشد مانند: «بیاض وجه» «سواد وجه» «نفی ذلت» «نهی از تمسخر» «نهی از غیبت» استفاده شده است. آبرو بر حیثیتی از انسان اطلاق می‌شود که مورد ستایش یا سرزنش واقع می‌گردد، خواه در خود او باشد یا در خانواده و کسانی که به‌گونه‌ای با او پیوند دارند.^۵

^۱ راغب اصفهانی، ص ۷۰۷.

^۲ هوشنگ ناصر زاده، اعلامیه‌های حقوق بشر، (تهران، جهاد دانشگاهی، ۱۳۷۲) ص ۳۱۵.

^۳ محمدتقی جعفری تبریزی، مقدمه‌ای بر اعلامیه حقوق بشر از دیدگاه اسلام، (بی‌جا)، ششمین کنفرانس اندیشه اسلامی (۱۳۶۶) ص ۱۸.

^۴ محمد معین، فارسی معین، چاپ دوم (قم، انتشارات ثامن [بی‌تا])، ج ۱، ص ۹۴.

^۵ جمعی از پژوهشگران زیر نظر شاهرودی و سید محمود هاشمی، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام، (محققان

موسسه دایرة المعارف فقه اسلامی)، چاپ اول (قم: انتشارات موسسه دایرة المعارف فقه اسلامی، ۱۴۲۶ق) ج ۳، ص ۳۱۶

مبحث دوم: پیشینه تاریخی - تقنینی نحوه رفتار با زندانی

در گذشته اگر کسی مرتکب جرمی می‌شد هر برخوردی با وی مجاز بوده است. رفتارها و مجازات‌ها، نامتناسب با نوع جرم و غیرانسانی بوده است. برخی از این مجازات‌ها عبارت است از قطعه قطعه کردن بدن، زندانی کردن در سیاه‌چال‌ها، نوشاندن زهر، چهارمیخ کوب کردن، بستن دست و پای زندانیان به زنجیر^۱.

حاشیه راندن آموزه‌ها و تعالیم در ادیان توحیدی، حاکم بودن اصل انتقام و سرکوبی مجرم و بی‌توجهی به شخصیت او زمینه‌ساز این رفتارها شده بود.^۲

در دوران خلافت امویان و عباسیان به دیدگاه اسلام که شکنجه و آزار مردم را ممنوع ساخته بود نادیده انگاشته شد و زشت‌ترین و زننده‌ترین رفتارها را با مجرمان و محکومان را روا داشتند.^۳ این در حالی بود که سال‌ها پیش امام علی (ع) رفتار دیگری با زندانیان داشتند. جرج جرداق در مورد سیره آن حضرت می‌نویسد: امام علی (ع) نخستین کسی بود که خوراک و پوشاک تابستانی و زمستانی زندانیان را تأمین می‌کرد.^۴

در دیگر نقاط جهان نیز وضع بهتری وجود نداشت در این‌گونه مجازات‌ها تنها چیزی که مدنظر نبود رعایت حرمت، شخصیت و منزلت زندانیان بود. وضعیت رقت‌بار و تاسف‌انگیز رفتار غیرانسانی با مجرمان و به‌ویژه زندانیان، در بسیاری از کشورها به‌خصوص در غرب باعث شد تا فیلسوفان و دانشمندان دست‌به‌کار شوند و ضمن تلاش برای توجه دادن به شخصیت زندانی، جلوی این‌گونه مجازات‌ها را بگیرند.

^۱ سید محمدعلی ابهری، اسلام و دفاع اجتماعی، چاپ اول (قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۷) ص ۱۸۱؛ مهیار

خلیلی، تاریخ شکنجه در ایران (تهران، نشر گسترده، ۱۳۵۹) ص ۱۶۵.

^۲ محمد آشوری، جایگزین‌های زندان یا مجازات بینابین، چاپ اول (تهران، نشر گرایش، ۱۳۸۲) ص ۵.

^۳ احمد وائلی، احکام زندان در اسلام، (مترجم: محمد حسن بکائی)، (تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۴) ص ۳۹۴ و ۳۹۵.

^۴ جرج جرداق، الامام علی (ع) صوت العدالة الانسانية (بیروت، دارالرواء، ابي تا) ج ۲، ص ۷۵ و ۷۶.

در ایران نیز با توجه به اینکه اکثر مردم مسلمان‌اند و از تعالیم اسلام و معارف اهل بیت درباره نحوه رفتار با مجرمان آگاهی دارند، رفته‌رفته جنبش گسترده‌ای در مبارزه با ظلم موجود، فراهم آمد. شاید بتوان گفت: نخستین گام در رفع رفتارهای غیرانسانی در عهد قاجار برداشته شد و فرمانی مبنی بر ممنوعیت زجر و شکنجه، صادر شد^۱

در حال حاضر بهترین و صریح‌ترین متن قانونی در زمینه کرامت انسانی، آئین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی تربیتی می‌باشد. این قوانین مصداق‌ها و جلوه‌های رفتار انسانی با زندانیان ذکر شده است. همچنین تصویب قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی نقطه‌ی عطفی در زمینه حفظ حقوق و حرمت زندانیان می‌باشد.

مبحث سوم: آشنایی با مبانی نظری مجازات‌های شرعی

گفتار اول: هدف شریعت از اجرای قوانین کیفری

با توجه به اینکه حبس کردن و زندانی کردن یکی از انواع عقوبت‌ها در شریعت اسلام است ناگزیر باید اهداف شریعت از اجرای آن‌ها معلوم گردد. اگر کسی در اسرار قانون‌گذاری اسلام تأمل کند به‌طور واضح معلوم می‌شود که همه آن‌ها با تعدادی مصالح و مفاسد پیوند ناگسستنی دارند. در اجرای قوانین کیفری باید کیفرها توان بازدارندگی داشته باشند. به این معنی که انسان را قبل از اقدام، از گناه بازدارد و چنانچه بعد از ارتکاب گناه اجرا شود، باید از تکرار آن جلوگیری نماید. با توجه به اینکه مناصب در کیفر دادن صلاح و فساد جامعه است پس باید تشدید مجازات و یا تخفیف آن مربوط به صلاح و فساد جامعه باشد گاهی مصلحت تقاضا می‌کند که مجرم از بین برود مانند محارب و یا قاتل؛ و گاهی مصلحت در این است که مجرم حبس شود و شر او از مردم بریده شود. عقوبت‌هایی که در شریعت معین‌شده تأدیب‌هایی

^۱ فریدون آدمیت، امیرکبیر و ایران (تهران، انتشارات خوارزمی، ۱۳۷۸)، ص ۳۱۳-۳۱۵.